

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

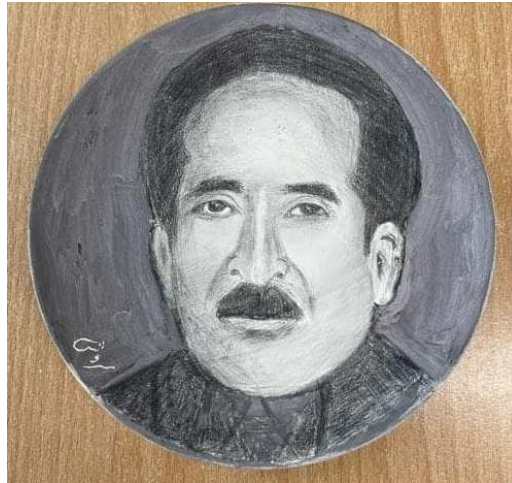
National and Revolutionar Characters

شخصیت های ملی و انقلابی

فرستنده: فائزه محمودی و یادداشت پورتال

۱۹ جون ۲۰۲۴

یاد واره ونگاره سیرامیک محمد عظیم محمودی



محمد عظیم محمودی پسر محمد اعظم خان برادر سوم داکتر محمودی فقید است - مشارالیه در سال (۱۲۹۹ هجری شمسی) در کوچه بارانه شهر کابل متولد گردید و در همان دوران طفولیت، پدر و مادر خویش را از دست داد و برادر کلانش داکتر عبدالرحمان محمودی سرپرستی وی را به عهده گرفت. مکتب را تا صنف هشت ادامه داد. در این وقت دولت استبدادی سلطنتی بنا بر جبر و فشار و قانون خود ساخته اوگرائی وی را به (tollocommunication) "تلو کمونیکیشن" مخابرات اجیر ساخت و موصوف به نام برادر بزرگش داکتر رحیم محمودی در آنجا کارکرد و بعد از مدت ۱۵ سال به حیث مأمور رسمی در وزارت مخابرات مقرر گردید.

موصوف تحت سرپرستی و تربیت برادر بزرگش داکتر عبدالرحمان محمودی به یک مبارز آگاه مبدل گشت. در زمان دیموکراسی قلابی «شاه محمود» با برادر بزرگوار خود داکتر عبدالرحمان محمودی همکار بود و در فعالیت های مخفی و علنی حزب خلق سهم اساسی داشت (داکتر محمودی ماشین چاپ از خود داشت) و همچنان در کار های نشر، توزیع و حروف چینی جریده «ندای خلق» سهم ارزنده داشت.

در دوره هشتم شورا با داکتر عبدالرحمان محمودی یکجا دستگیر و مدت دو سال و شش ماه زندان راسپری نمود و در زندان باز هم تحت تربیت برادرش قرار گرفته و مردی مقاوم، شجاع و نترس بارآمده تمام عمر خود را در راه مبارزه و خدمت به مردم سپری نمود.

موصوف عضو سازمان جوانان مترقی ویکی از فعالان جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بود که در تمام مظاهرات و اعتصابات و تجلیل از روزهای تاریخی مثل سوم عقرب، روز کارگر و روز بین المللی زن حاضر بود و در آن ها سهم ارزنده داشت.

ایشان در طول زندگانی پر مشقت و افتخار آمیز خود چهار بار به جرم آزادیخواهی و رهائی انسان در بند زندانی گردید . بار اول بعد از انتخابات جعلی دوره هشت برای مدت دو سال و شش ماه زندانی و پنجسال خانه نشین گردید ، بار دوم در تجاوز بیرحمانه دولت در بیست و پنجم جوزا ۱۳۴۷ و بار سوم باز هم در دوران مبارزات علنی و مخفی در دوران ظاهر شاه و بار چهارم در دوران خلقی ها و پرچمی های وطن فروش و نوکران سوسیال امپریالیزم شوروی مدتی زندانی گردید.

نامبرده در اثر سعی و کوشش مداوم در علم طبابت نیز دسترسی پیدانمود و شب و روز در خدمت مردم قرار داشت و مردم به پاس این خدمت گذاری لقب افتخاری داکتری را به وی هدیه کرده بودند همچنان در شعر و شاعری نیز دسترسی فوق العاده داشت و اشعار فی البدیئه می سرود.

متأسفانه که تمام یادداشت ها، دست نوشته ها و اشعار موصوف که از احساس پاکش در باره جامعه، طبیعت، آزادی و مبارزه به ضد دشمنان مردم و میهن سروده شده و به سه هزار بیت می رسید، به اثر اختناق و تلاشی های مداوم وطن فروشان خلقی و پرچمی از بین رفت. موصوف دارای ۲ پسر و ۴ دختر بود و به عمر ۷۳ سالگی در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی وفات نمود و به جاودانگی پیوست.

یادش گرامی باد!

یادداشت:

این که گفته اند قلم زدن و چیزی نگاشتن در مورد شخصیت های چند بعدی همیشه کار دشواری بوده و دشوار باقی خواهد ماند، واقعیتی است که همیشه در مواجهه با چنان افرادی خود را متبازر می سازد. چنانچه در مورد گرامی یاد "عظیم محمودی".

چه به نظر ما در کنار سجایای نیکی که نویسنده این مطلب "آقای غلام فاروق سروش" در مورد آن گرامی یاد نگاشته اند، یکی از ویژگی های برارنده ایشان تواضع و فروتنی زایدالوصفی بود که ایشان در برخورد با دوستان و همزمان از خود بروز می داند.

"عظیم محمودی" که از زبان برادرزاده هایش برای اکثریت نسل "شعله ئی" فقط "کاکا عظیم" بود، علی رغم آن که خود از پیشکسوتان جنبش دموکراتیک نوین و از زندان دیده های "شعله ئی" بود مگر خلاف سایر همسن و سالانش با رفقاء به خصوص جوانان چنان متواضعانه و فروتنانه برخورد می نمود، تو گوئی اساساً فردی از پیش کسوتان جنبش نبوده است.

جوانان "شعله ئی" زمانی که این برخورد صمیمانه و رفیقانه را از وی می دیدند و آن را با برخورد های نسبتاً متفرعانه تعداد دیگری از "زندان دیده ها" مقایسه می کردند، ضمن ادای احترام به گرامی یا "عظیم محمودی"، وی را از خود دانسته با اخلاص تمام "کاکا عظیم" خطاب می کردند.

یاد "کاکا عظیم" گرامی باد!

اداره پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"